

بسم الله الرحمن الرحيم

بعضی عناوین مطرح شده در این جلسه :

حجامت ، شبهه عینیت حجامت با خون دادن ، تفاوت های حجامت با خون دادن ، اخلاط چهارگانه ، بلغم ، صفرا ، سودا ، ph اخلاط چهارگانه

حجامت ، هدیه ی اهل بیت پیامبر صل الله علیه و آله

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **حجامت**، بر خرد می افزاید و حافظه را بسیار می کند.
امام علی علیه السلام: **حجامت**، بدن را صحت می دهد و عقل را استحکام می بخشد.
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: **حجامت** در سر، شفای از هفت چیز است، آن گاه که بر شخص، عارض شود: دیوانگی، جذام، پیسی، چرت آلودگی، دندان درد، سردرد و تیرگی ای که شخص در چشم احساس می کند.
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه نیکو درمانی است **حجامت**! خون را می برد، دیده را جلا می دهد و پشت را سبک می کند.

امام صادق علیه السلام: جبرئیل به سفارش بر مسواک، خلال و **حجامت**، بر پیامبر خدا نازل شد.
امام کاظم علیه السلام: «مردم به هیچ دارویی بهتر از یک مکش خون یا یک قاشق عسل، درمان نجسته اند».
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در روز سه شنبه هفدهم یا نوزدهم یا بیست و یکم ماه، **حجامت** کند، این **حجامت** برای وی شفای همه دردهای سال خواهد بود
پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر خون در درونتان به جوش می آید، **حجامت** کنید؛ چرا که خون، گاه ممکن است در درون شخص، طغیان کند و وی را بگشود.

روایات در زمینه ی حجامت فراوان است و به همین اکتفا می کنیم

یکی از فرق های طب جدید و طب اسلامی این است که در طب جدید بیماری ها بصورت ریشه ای درمان نمی شوند .

شما وقتی مشکل پوستی پیدا می کنید. اکثر مشکلاتی که در ظاهر می بینیم عارضی هست و یک منشأ درونی دارد و تا وقتی این منشأ درونی درمان نشود و از بین نرود، دوباره عود می کند. حالا به قول استادمان شما هر چه از این گچ ها به دست و صورتت بمالی، درمان نمی شود. در ظاهر موقتا خوب می شود ولی دوباره عود می کند.

پسر خودم کف سرش یک زخمی ایجاد شده بود. از ابتدایی که بدنیا آمد کم کم این زخم آشکار شد و مرتب هم خارش می داد و بیشتر می شد. رفتیم پیش فوق تخصص پوست اطفال؛ یه مقدار از این کرم ها و گچ ها، با یک شامپوهای مخصوص داد.... من می دانستم درمان نمی شود و اگر هم برود موقتی هست. همینطور هم شد. این زخم کمتر شد ولی بعد از مدتی دوباره برگشت. من خودم حدس می زدم که مشکل این بچه از کجاست؟ از خون زیاد بود. یکی دیگه از اساتید طب اسلامی هم تا این بچه را دید (بین ۶ ماه تا یک سالش بود) گفت: چقدر پر خون است.

من خودم این بچه را تا دو سالگی شاید ۲_۳ بار حجامتش کردم. (البته خیلی سطحی و ضعیف یعنی خون گیری خیلی کم است، در حد خراش و چند قطره خون و بادکش ضعیف) کامل خوب شد و از بین رفت. حجامت درمان است و برای همه درمان است. حتی برای بچه ها هم مفید است و اصلا ضرر ندارد. البته برای بچه ها بادکش کافی است و اگر نیاز شد حجامت می کنیم. خون گیری به آن معنا در بچه ها نیست و کمتر است.

ولی نگاه کنید این حجامت که هدیه الهی است و این قدر مورد تأکید اسلام است، در کشور اسلامی جایگاهی ندارد و منتظریم که ابرقدرت ها و غیرمسلمانان اجازه و دستورش را بدهند و تأیید کنند تا در کشورمان رواج دهیم.

آیا این بد نیست برای ما که مقالات علمی پیرامون حجامت را در کشورهای اروپایی جمع کنیم و اینجا بیاوریم؟! و اگر بخواهم یک مقاله ی علمی در مورد حجامت تصویب کنم، صد تا مانع داشته باشم!؟

چقدر مسمومیت ها را که با حجامت درمان می کنند. چقدر سگته های قلبی که با حجامت برمی دارند.

شبهه ی عینیت حجامت با خون دادن

این را هم بدانید که دشمن هر گونه توطئه ای می کند. مرتب شایعه می کنند و در زبان ها می اندازند که حجامت با خون دادن فرقی ندارد.

یکی از اشکالاتی که به حجامت می کنند اینست که می گویند؛ چون قبلا امکانات خون دادن نبود، ائمه حجامت می کردند و دستور به حجامت می دادند ولی الان که امکانات هست باید خون داد تا هم بهداشت رعایت شود و هم از خون بهره برده شود. علت سفارش اسلام به حجامت هم بخاطر اهمیت خون دادن بوده است.

جواب این است که :

۱. خداوند همانطور که حجامت را از طریق وحی به انبیاء تعلیم داده بود، خون دادن را هم می توانست تعلیم دهد و اگر فائده ی بیشتری در خون دادن بود، خون دادن را سفارش می کرد.
۲. خون دادن در همان زمان هم ممکن بود و امکانات خاصی نمی خواست. اگر منظور ریخته شدن خون بود می توانست به راحتی توسط یک تیغ انجام شود. (که فصد تقریبا همین کار را انجام می دهد) ولی اگر منظور شما اهداء و انتقال خون هست، این ربطی به بحث ما ندارد بلکه بحث جدیدی است که برای برطرف کردن نیاز دیگران است نه سلامتی و درمان خود شخص.
۳. مفسر روایات خود معصومین هستند. آن ها یک عمل خاصی را انجام می دادند که به بقیه هم سفارش کردند که این کار را کنید. لذا همان عمل امام برای ما حجت است نه حدس و گمان های خودمان.
۴. بین خون دادن و حجامت تفاوت های زیادی است. پس نمی توان گفت هدف ائمه از دستور به حجامت، همان دستور به گرفتن خون از رگ ها بوده است.

تفاوت های حجامت با خون دادن

۱. وجود بادکش در حجامت

در حجامت بادکش هست ولی در خون دادن بادکش نیست .
خود بادکش خیلی بیماری ها درمان می کند . ما بادکش درمانی داریم و کتابهایی در این زمینه هست که بیماری های مختلف را از طریق بادکش درمان می کند .

هر جایی که خون باشه حیات هم هست . باید گردش خون را در بدن بیشتر کرد . اون قسمت هایی که مشکل دارد بخاطر این است که گردش خون در آن قسمت کم است .
یکی از کارهایی که بادکش انجام می دهد ، به جریان انداختن خون در قسمت های مختلف بدن است .

یکی دیگر از کارهای بادکش فراخوان نزله های مختلف بدن است .
مثال کسی که در یک محفظه ی خالی فلزی مانند بشکه های بزرگ آب ، قرار گرفته است و از بیرون به یک قسمتی ضربه زده شود ، تمام حواس و گوش به آن سمت توجه می کند .

وقتی بادکش انجام می شود ، اخلاط فاسد بدن به آن قسمت سرازیر می شوند . شما اگر تیغ بزنی ، این اخلاط فاسد به بیرون می ریزد ولی اگر تیغ هم نزنی بدن یک ویژگی دارد که وقتی اخلاط فاسد به زیر پوست جمع شد ، این اخلاط که دوباره می خواهند به بدن برگردند ، بدن آن ها را نمی پذیرد لذا به مرور زمان از طریق تعریق از بدن خارج می شوند .

یکی دیگر از کارهای بادکش ، بیرون کشیدن بادهای اضافی در بدن است .
لذا برای قولنج ، بعضی گرفتگی ها و انسدادها مفید است .

۲. گرفتن خون از مویرگ ها

در حجامت ، لایه ی اول خراش می خورد و از لایه ی دوم پوست گذر نمی کند لذا خون از مویرگ ها گرفته می شود نه از شریان اصلی و خون اصلی .

۳. کم نشدن حجم اصلی خون

در حجامت، اضافه ی خون می آید و هیچ ضرری ندارد لذا نه تنها مشکلی برای کم خونی نیست بلکه درمان کم خونی هم هست.

ولی در خون دادن، خون اصلی بدن کم می شود و بدن باید کلی زحمت بکشد تا دوباره خون سازی کند.

۴. خروج خون های کثیف از بدن

ما وقتی غذایی می خوریم، بعد از هضم ها، قسمت سودای خون در کبد و بیشترش در طحال جمع می شود. یک رگی از کبد و یک رگی از طحال به طرف بین الکتفین ما کشیده شده است که به طور تقریبی هر ۳۵ روز یک بار خون های سودایی، غلیظ، کثیف و چرب به آنجا منتهی می شوند که امروزه دانشمندان به آنجا چاله ی بدن یا حوضچه ی بدن می گویند. اگر این خون های سوخته و کثیف در مدت این ۳۰ روز از آنجا برداشته شود که بهترین عاملش حجامت است (مثل روغن های سوخته در موتور که بیرون می ریزید)، زمینه ی اینکه این اخلاط فاسد در آن جا بماند و عامل بیماری شود را از بین برده اید. ولی اگر برداشته نشود، این خون های کثیف هر ۲۰ ثانیه توسط قلب به کل اندام بدن سرکشی می کند که به کل اندام بدن برسد.

لذا در روایت از امام رضا علیه السلام در طب الرضا آمده: کسانی که سنشان از ۲۰ سال گذشته است، هر ۲۰ روز در میان باید حجامت کنند. ۳۰ ساله ها بعد از ۳۰ روز، ۴۰ ساله ها بعد از ۴۰ روز

۵. ایجاد خراش در پوست

ما سلول هایی در پوست داریم به اسم لانگرهاس که فقط در پوست هستند که اگر از رگ خون بگیرد، این سلولها تحریک نمی شوند. این سیستم حجامت کمک می کند که سیستم ایمنی بدن اگر نمره اش ۸۰ هست، ۹۰ شود و بیشتر. تا الان تبخال می زدید دیگر نمی زنی، تا الان دهن آفت می زده دیگر نمی زنی، کولیت داشتی دیگر نمی گیری، قرار بوده ام اس بگیرد دیگر نمی گیرد.

لذا بنا بر همین تقویت سیستم ایمنی که در خراش هست، خود استاد خیراندیش می فرمایند نیاز نیست در قسمت خراش های حجامت غسل یا چیز دیگری برای ضد عفونی بمالید چون خود بدن این کار را انجام می دهد.

بلغم

- از لحاظ برتری پس از خون قرار دارد. سرد و تر می باشد.
- از خلط صفرا و دم سنگین تر و غلیظ تر است و در طبقه ی زیرین آن دو قرار دارد. (لذا احتمال رسوبش در بدن بیشتر است)
- رنگ آن سفید است.
- بی مزه است.
- بلغم برای ذخیره شدن جایی ندارد و به بلغم، خون ذخیره، گفته می شود لذا نوع طبیعی بلغم، آماده تبدیل شدن به خون است.
- در وقت بی غذایی بدن همچنین عهده دار مرطوب نمودن اندام ها بوده از خشک شدن آن جلوگیری می کند.
- شبکه ی نخاعی، سلسله ی اعصاب و مغز با بلغم ساخته می شوند.

کارایی بلغم در بدن

- بلغم به عنوان یک خون ذخیره، زمانی که اندامی به غذا نیاز داشته باشد، ولی سیستم غذارسان بنا به عللی نتواند این کار را انجام دهد، با صرف حرارت ف بلغم را به حالتی شبیه به خلط دم به آن اندام می رساند و از آن تغذیه می کند. از این رو، خلط بلغم را غذای اضطراری قلمداد کرده اند.
- لیز کردن و تسهیل حرکت اندام های پر تحرک، مانند مفاصل، زبان و چشم.

- علاوه بر غذای ذخیره بودن، در تولید و افزایش چربی در بدن نقش اساسی دارد.

- بلغم تمامی مایعات بدن شامل؛ آب میان بافت ها، آب بین مفاصل، رطوبت سینوس ها، بزاق دهان و رطوبت مغز و اعصاب را تشکیل می دهد.

صفرا

- از لحاظ برتری پس از بلغم قرار دارد. گرم و خشک است.

- صفرا در لغت به معنای زردی و رنگ زرد است که در طب جدید به آن یرقان می گویند.

- سبک ترین خلط است و در بالای سایر اخلاط قرار دارد.

- سبک و کف آلود بوده و در قسمت بالای خون قرار می گیرد.

- گاهی در بدن ته نشین شده و تولید سنگ صفرا می کند.

- طعم آن تلخ است لذا به آن تلخه هم می گویند.

- هر وقت در مجاورت هوا واقع شود تغییر رنگ می دهد و سبز رنگ می شود. (پس رنگ صفرا از زرد تا سبز هست)

- لطیف است و موجب لطیف سازی خون و افزایش نفوذ پذیری آن به اندام های مختلف می گردد.

- در یک انسان عادی و سالم میزان صفرا یک درصد باید باشد.

- صفرا اگر زیاد شود، می سوزد و تبدیل به سودا می شود.

فرایند ترشح صفراء

در کالبدشناسی دستگاه گوارش، **تهی روده** بخش میانی از سه بخش روده باریک است. تهی روده بخشی از روده باریک است که دوازدهه را به دراز روده ارتباط می دهد.

(دراز روده یا ایلئوم به انگلیسی Ileum : بخش انتهایی از سه بخش روده باریک است. دراز روده در زیر دوازدهه و تهی روده قرار گرفته)

دوازدهه یا اثنا عشر، در کالبدشناسی دستگاه گوارش، لوله‌ای توخالی و شبیه به یک لوله ی خمیده است که معد را به تهی روده می‌پیوندد. دوازدهه نخستین و کوتاه‌ترین بخش از روده کوچک است. کارکرد دوازدهه، بیشتر، تجزیه مواد خوراکی در روده کوچک است.

صفر از طریق مجرای کیسه‌ای به کیسه صفر انتقال می‌یابد و در آنجا ذخیره می‌شود. هنگامی که غذا از دوازدهه عبور می‌کند، کیسه صفر منقبض شده و مایع درون خود را از طریق مجرای مشترک صفر به روده (باریک) هدایت می‌کند و با غذا مخلوط می‌شود و موجب گوارش ملکول‌های چربی می‌شود. ماده ای که صفر تولید می‌کند، خاصیت بازی یا قلیایی دارد که باعث خنثی کردن توده ی غذا (کیلوس معدی) میشود.

اگر کبد دارای گردش خون منظم و سالمی نباشد نمی‌تواند صحیح و درست صفر بسازد و آن را وارد روده کند.

کبد در شبانه روز حدود دو کیلوگرم صفر می‌سازد (بعضی کتب جدید بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلی لیتر گفته اند). این صفر وارد کیسه می‌شود و از آنجا بوسیله مجرای مخصوص به روده می‌ریزد. اگر کبد در ساخت صفر دچار کندی شود هضم غذاهای چرب دچار اختلال شده و احیانا دچار یرقان می‌شود.

اگر کبد به مقدار کافی صفر بسازد و وارد کیسه صفر کند، ولی صفر در این کیسه حبس شود و نتواند وارد روده شود باز هم حالت یرقان و اختلالات هاضمه ظاهر می‌گردد.

یعنی هم باید کبد به خوبی و به اندازه کافی صفر ترشح کند و هم کیسه صفر باید صفراهای ساخته شده را به آسانی در روده بریزد.

پس چنانچه صفر در کیسه صفر انباشته شده و راه خروج نداشته باشد صفرای حبس شده به درون مجاری صفراوی پس زده و مانع ترشح صفر می‌شود که کبد از کار ساخت صفر باز می‌ماند.

مراد از صفرازا و صفرا بر

بعضی از غذاها و داروها و میوها ها دارای این خاصیت هستند که باعث ترشح مقدار زیادی صفرا به وسیله سلول های کبدی می شوند چنین مواد و غذاها را صفرازا می نامند، یعنی خوردن آن ها باعث می شود که سلول های کبدی تقویت گردد و اگر در کار آن ها تبدیلی حاصل شده باشد برطرف گردد و تهیه و ساخت صفرا مجدداً به حالت اول باز گردد. (خوردنی هایی که طبعشان گرم و خشک هست ، غالباً اینچنین هستند . در بحث مزاج خوردنی ها می گوئیم)

بعضی از غذاها و داروها خاصیت دیگری دارند یعنی کارشان این است که کیسه صفرا را منقبض کرده و باعث می شوند که تمام صفراهایی که در کبد جمع آوری شده است در اثر حرکات انقباض شدید به داخل روده بریزد . به این غذاها و داروها به اصطلاح مواد صفرا بر نام نهاده اند که دارای انواع و اقسام مختلف هستند مانند روغن زیتون و آب زرشک ، تره فرنگی و ... همین هندوانه که بچه ها هم خیلی دوست دارند (چون غالباً طبع بچه ها گرم است .)

پس انسان هم به مواد صفرازا و هم صفرا بر نیاز دارد . زیرا این مواد وقتی با هم تجویز شوند باعث می شود که هم کبد صفرای زیادی ترشح کند و هم کیسه صفرا این صفراهای را در روده بریزد .

اختلال مجرا و کیسه صفرا در اثر غذاهای گوشتی ، چربی و ناسازگاری شیمیایی ترکیبات اغذیه پیدا می شود .

خلط صفرا : تیز ، آتشی و نفوذ پذیر است لذا اگر همه این خلط به طرف رگ ها و میان تهی ها (مثل معده ، کبد و روده) برود موجب غلبه و مرض می شود . مثلاً اگر همه ی خلط صفرا به قلب برسد موجب گرمی شدید و سکنه ی قلبی می شود .

فوائد صفرا

۱ . هضم غذا

صفرا ترشحات کبد است که رنگ آن زرد است و در هضم غذا اثر به سزایی دارد. صفرای تولید شده در کیسه ی صفرا ذخیره و در مواقع نیاز وارد اثنی عشر می شود و هضم غذا را آسان می کند .

۲. حرکت دادن خون در مویرگ ها

از وظائف خلط صفرا رقیق کردن، لطافت بخشیدن و قابل نفوذ کردن خون در مویرگ ها و گذرهای بسیار باریک غذا است.

صفرا عامل گذر خون به مویرگ های ریز اندام انتهایی هست. پیش قراول خون است و مجرا را باز می کند که خون به اندام انتهایی برسد.

برخی دست ها را که مصافحه می کنید گرم هست و بعضی دیگر سرد است یعنی صفرا کم است. بعضی دیگر نه تنها سرد است بلکه عرق هم می آید یعنی صفرای او خیلی کم است.

افرادی که زخم در بدنشان ترمیم نمی شود یا دیر ترمیم می شود به این دلیل است که صفرا در آنجا نیست یا خیلی کم است.

چون صفرا نیست که مسیر را برای خون باز کند (چون گرمی و خشکی هست که مسیر را باز می کند مثل آتش) لذا خون به آنجا نمی رسد و زخم ترمیم نمی شود.

افرادی که دیابتی هستند هم مشکلشان همین است.

دیابتی که در طب سنتی تعریف می شود دیابت گرم است ولی الان دیابت رایج، دیابت سرد است. از زانو به پایین سرد است و وقتی به مچ می رسی، یخ هست و این گرمی و سردی را به وضوح می توانی احساس کنی.

لذا زخم دیابتی ها دیر ترمیم می شود چون صفرای بدنشان کم است و خون کمی به اندام می رسد. شنبلیله، عرق گزنه، بامیه و... خوب است.

۳. شستشوی جداره روده ها از رسوبات

مقداری از صفرا به روده ها راه یافته تفاله ها و مواد چسبنده و بلغم لزج موجود در آنها را می شوید. به موجب آن عطش و کاهش اشتها رخ می دهد.

۴. تغذیه به شش ها (ریه)

بخشی از خلط صفرا به مصرف تغذیه برخی اندام ها مثل ریه می رسد. در حقیقت غذای ریه ها خون صفراوی است.

۵. هضم چربی

مهمترین عمل صفرا کمک به هضم چربی هاست.

۶. خنثی نمودن اسید معده

عمل دیگر صفرا خنثی کردن حالت اسیدی (ترشی) معده است.

۷. علامت نیاز به دفع مدفوع

تحریک ماهیچه های مقعد و احساس نیاز به دفع مدفوع.

۸. زدایش مواد زائد

انواع خلط صفرا در بدن

۱. در اختلاط با بلغم، سبب ایجاد صفرای زرده ای یا آبکی می شود.

۲. در اختلاط با بلغم غلیظ، موجب ایجاد صفرای تخم مرغی می شود.

۳. در اختلاط با سودا، خونی که به رنگ سرخ است، نه صاف باشد و نه روشن.

۴. صفرای سوخته که رنگ تیره شبیه به خون دارد.

۵. صفرای کبرایی (گندایی) که در اثر سوختن، صفرای زرده ای به وجود می آید.

۶. صفرای زنگاری (سبز رنگ) که در اثر سوختن صفرای کبرایی به وجود می آید. (گرم ترین حالت و

کشنده است)

علائم تشخیص جمع شدن صفرا در معده

قی، زردی چشم، تلخی دهان، خشکی و درشتی زبان، عطش زیاد، ضعف اشتها به غذا و.. است.

سودا

- از لحاظ برتری پس از صفرا قرار دارد و سرد و خشک می باشد.
(در واقع دو خلط دم و بلغم که هر کدام ۴۹ درصد خون و در مجموع ۹۸ درصد خون را تشکیل می دهند مهمترین اخلاط هستند و دو خلط صفرا و سودا که هر کدام یک درصد و در مجموع دو درصد خون را تشکیل می دهند، در مرتبه ی بعد قرار دارند. و خلط دم از بلغم برتری دارد چون گرمی نسبت به سردی برتری دارد و گرمی و حرارت موجب حیات و تحرک است)

- مزه ی سودا شور است .

- خون فشرده ی لزج و بهم چسبیده است که رنگش تیره متمایل به سیاهی است.

- نسبت به سایر اخلاط، سنگین تر و غلیظ تر است و در آخرین طبقه قرار دارد.

- این خلط را به دُرد و رسوب خون تشبیه کرده اند.

کارایی سودا در بدن

- موجب غلظت و قوام خون می شود.

- در تغذیه و استحکام اندام هایی مانند رباط ها و استخوان ها نقش دارد.

- به تغذیه ی اندام هایی مثل مو و ناخن می رسد.

- همچنین مقداری از آن به دهانه معده رسیده، موجب ایجاد حس گرسنگی و تحریک اشتها می گردد.

انواع سودا

سودای طبیعی ناشی از رسوب برخی از اجزاء خون است.

سودای غیر طبیعی حاصل سوختن هر یک از اخلاط است.

Ph هر یک از اخلاط چهارگانه

Ph صفرا عدد ۸/۵ است. دم: ۷/۳ است. بلغم: زیر ۷ است. سودا: ۶ است. بالای ۷/۳ بودن موجب غلبه قلیایی (گرمی) و کمتر از آن موجب غلبه اسیدی (سردی) می باشد.

آدرس های ارتباطی با بنده

ایمیل : abedi201@yahoo.com

آیدی کانال : @aliabediqom

وبلاگ : aliabedi.blog.ir

کانال دارالثقلین : @darosaqaleine

نکته : به علت حجم زیاد سوالات ، سوالات با تأخیر پاسخ داده می شود .